

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی

**موضوع پایان نامه:**

**ترجمه و تعلیق کتاب السیر شیبانی**

**استاد راهنما:**

**دکتر عباسعلی سلطانی**

**استاد مشاور:**

**دکتر محمد حسن حائری یزدی**

**دانشجو:**

**سیدهاشم موسوی آبگرم**

**تابستان 90**

## تعهدنامه

اینجانب سیدهاشم موسوی آبگرم دانشجوی دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامۀ ترجمه و تعلیق السیر الکبیر شیبانی تحت راهنمایی دکتر عباسعلی سلطانی متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایاننامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از پایاننامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایاننامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایاننامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ 1390/7/12 امضای دانشجو

### مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله/پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

• متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه های تکثیر شده وجود داشته باشد.

## تقریر بہ:

قمر الحق،

آنکہ دانش سرشاری میکند،

قمر مینا

## سپاس:

سپاس از زحمات بیشائبهی همهی کسانی که در به ثمر رساندن این تلاش یاری رساندند.

سپاس از همهی اساتید محترم گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده شهید مطهری دانشگاه فردوسی

مشهد

سپاس از جناب آقای دکتر عباسعلی سلطانی و جناب آقای دکتر محمد حسن حائری یزدی.



بسمه تعالی  
مشخصات رساله / پایان نامه تحصیلی دانشجویان  
دانشگاه فردوسی مشهد

<b>عنوان پایان نامه: ترجمه و تعلیق السیر الکبیر شیبانی</b>		
نام نویسنده: سیدهاشم موسوی آبگرم		
نام استاد راهنما: دکتر عباسعلی سلطانی		
نام استاد مشاور: دکتر محمد حسن حائری یزدی		
رشته تحصیلی: الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی	گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی	دانشکده: الهیات (شهید مطهری)
تاریخ دفاع: 1390/6/29	تاریخ تصویب: 1390/6/19	
تعداد صفحات: 231	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input checked="" type="radio"/> دکتری <input type="radio"/>	
چکیده بلیان نامه :		
<p>سیر در لغت جمع سیره به معنای روش و طریقه است. به نبرد نیز از آن روی سیر گفته‌اند که برای رسیدن به دشمن طی طریق می‌کنند. در اصطلاح فقه، سیر به روش‌هایی که در نبرد با دشمن در شرع و فقه لحاظ شده می‌گویند. فقها در مبحث سیر در کنار پرداختن به جنگ و صلح به مباحث مرتبط با حقوق بین الملل نیز پرداخته‌اند.</p> <p>کتاب السیر نوشته‌ی محمد بن حسن شیبانی از نخستین نوشته‌های فقهی و حقوق‌دانان اسلامی در این موضوع است. ادبیات این کتاب که به صورت پرسش و پاسخ نگاشته شده، بیشتر شبیه ادبیات گفتاری است تا یک متن کلاسیک علمی. نویسنده در این کتاب در کنار پرداختن به آداب نبرد، به مباحثی دیگر چون تقسیم غنایم، امان، ارتداد، خرید و فروش مستامنان پرداخته است.</p> <p>کوشش حاضر ترجمه و تعلیق کتاب السیر محمد بن حسن شیبانی است. مترجم در ابواب مختلف این کتاب به پژوهش تطبیقی میان مذاهب حنفی، شافعی، شیعه، حنبلی و مالکی همت گمارده است.</p>		
امضای استاد راهنما:	کلید واژه:	
تاریخ:	1. جهاد 6- دارال حرب	
	2. سیر 7- مستامن	
	3. غنیمت	
	4. امان	
	5. دارالاسلام	

## فهرست مطالب

پیشگفتار به قلم مترجم.....	ک
مقدمه .....	1
1- تبیین موضوع پایان نامه .....	1
2- محمد بن حسن بن فرقد شیبانی .....	1
3- شیبانی و سیر .....	4
4- کتاب السیر .....	7
5- نسخه‌های کتاب السیر .....	9
6- پیشینه‌ی پژوهش .....	10
7- ضرورت پژوهش .....	11
8- روش مترجم در ترجمه و تعلیق .....	11
9- محدودیت‌های پژوهش .....	12
باب [نخست:] روایات پیرامون آداب نبرد .....	13
باب [دوم:] هرگاه لشکر در دارالحرب نبرد کند .....	31
باب سوم: تقسیم خمس، سهام، کسانی که سهم ندارند .....	38
باب چهارم: نفل و بردن مقداری از غنایم که در آن شرکت وجود دارد .....	48
باب پنجم: اسیرانی که آزاد می‌شوند .....	50
باب ششم: خرید و فروش در دارالاسلام و دارالحرب .....	63
باب هفتم: اسرابی که بر آنها نماز جنازه گزارده می‌شود .....	67
باب هشتم: کشتن اسیران حربی و به آتش کشیدن و تخریب دژهایشان .....	70
باب نهم: شخصی برای تجارت از دارالاسلام وارد دارالحرب می‌شود و [در آنجا] کنیزش یا زنان و کالاهایش را از حربیها می‌دزدد یا غصب می‌کند .....	74



- باب دهم: مردی از حربی ها که اموال و زمین و فرزند و خانواده دارد مسلمان می شود سپس آن سرزمین به تصرف [مسلمانان] در می آید..... 76
- باب یازدهم: شخص به اهل حرب امان می دهد ..... 80
- باب دوازدهم: مرد به کنیزی در دارالحرب دست می یازد و از ارتش مسلمانان می گیرد..... 83
- باب سیزدهم: اقامه ی حدود ..... 87
- باب چهاردهم: صلح ..... 91
- باب پانزدهم: عشر مسیحیان بنی تغلب و شفعه ی زمین ها ..... 98
- باب شانزدهم: صلح پادشاهان ..... 104
- باب هفدهم: آتش بس با اهل حرب ..... 108
- باب هجدهم: مستامن اهل حرب ..... 112
- باب نوزدهم: [درباره ی] آنچه مستامن هنگام بازگشت به دارالحرب می گذارد و در دارالاسلام رها می کند، یا مستامن در دارالاسلام می میرد ..... 116
- باب بیستم: آنچه مستامن دارالحرب [به دارالحرب] وارد می کند ..... 121
- باب بیست و یکم: آنچه از حربی ها در دارالاسلام گرفته می شود ..... 123
- باب بیست و دوم: اجرای حدود ..... 125
- باب بیست و سوم: عشور حربی ها ..... 129
- باب بیست و چهارم: ام ولد، مدبر، آزاد کننده و همسر مستامن ..... 133
- باب بیست و پنجم: زنی از اهل حرب اسلام می آورد سپس به دارالاسلام می آید..... 136
- باب بیست و ششم: نکاح حربی ها ..... 139
- باب بیست و هفتم: درباره ی کسی که برای تجارت به دارالحرب با امانش آورد..... 143
- باب بیست و هشتم: بندگان که مسلمان در دارالحرب می خرد ..... 147
- باب بیست و نهم: گروهی که در دارالحرب مستامن هستند ..... 150
- باب سی ام: احکامی درباره ی ارتداد از اسلام ..... 152

- 159 ..... باب سی و یکم: جنایات مرتد
- 163 ..... باب سی و دوم: [حکم] زن اگر از اسلام باز گردد
- 168 ..... باب سی و سوم: [درباره‌ی] برده و مکاتب و کنیزانی که از اسلام باز می‌گردند
- 171 ..... باب سی و چهارم: [درباره‌ی اینکه] مرد برده یا کنیزی را که مرتد هستند می‌فروشد
- 173 ..... باب سی و پنجم: [درباره‌ی اینکه] مرد و برده اش مرتد شوند
- 175 ..... باب سی و ششم: چه مرتدهایی اسیر می‌شوند و چه مرتدهایی اسیر نمی‌شوند؟
- 178 ..... باب سی و هفتم: پیمان شکنی ذمی‌ها
- 184 ..... باب سی و هشتم: اگر مرتدها بر سرزمین شان چیره شدند
- 186 ..... باب سی و نهم: مشرکان عرب
- ..... باب چهلم: گروهی [از رزمندگان مسلمان در دارالحرب] مرتد می‌شوند درحالی‌که  
همراه [دیگر] مسلمانان در دارالحرب هستند
- 188 ..... باب چهل و یکم: چه کسانی از مرتدان کشته می‌شوند و چه کسانی کشته نمی‌شوند
- 189 ..... باب چهل و دوم: [درباره‌ی] مستی که از اسلام باز می‌گردد
- 192 ..... باب چهل و سوم: خوارج و بغات
- 194 ..... باب چهل و چهارم: دزد، تجاوزگر، متأول
- 212 ..... باب چهل و پنجم: باغیان همراه مسلمانان با مشرکان می‌جنگند
- 216 ..... سخن آخر از مترجم
- 220 ..... چکیده انگلیسی :
- 221 ..... فهرست منابع
- 223

## پیشگفتار به قلم مترجم:

از همان دوره های کهن، حتی از زمانی که هنوز دولت و جامعه به م عنای مصطلح به وجود نیامده بود، تعامل و ارتباط گروه های انسانی از قواعدی پیروی می کرده، قواعدی که لزوماً نوشته شده نبوده است. در واقع در زمانی که هنوز روابط و علاقات ملت ها محدود به همسایگان شان بود هر کشوری برای رابطه با همسایگان خویش مقرراتی داشته است.<sup>1</sup>

اسلام ظهور کرد و در مدتی کوتاه حکومتی قدرتمند در سایه ی این آیین آسمانی برخاست. قلمرو اسلام روز به روز گسترده تر می شد، مرزهای سرزمین اسلامی (دارالاسلام) هر روز رو به جلو در حال حرکت بود، هر روز مسلمانان با گروه ها و ملت های جدیدی آشنا می شدند و تعامل می کردند، مرزهای سرزمین پهناور اسلام در همسایگی اقوام و ملت های بسیاری بود، ملت هایی با آداب و آیین های متفاوت. وضعیت مالکیت مردمان سرزمین های تازه فتح شده بر اموال منقول و غیر منقول، نظام حقوقی دریافت خراج و مالیات، حقوق اسرا، حقوق بردگان، مقررات تعامل مردمان در دو سوی مرزها، وضعیت پناهندگی و بسیاری دغدغه های دیگر ضرورت تنسیق و وضع قانون بین الملل اسلامی را ایجاد کرد.

دانشمندان مسلمان از همان ابتدا با درنگ در نبردهای پیامبر و سخنان آن گرامی به بحث جهاد پرداختند، سرزمین مسلمانان را دارالاسلام نام نهادند و سرزمین بیگانگان را دارالکفر یا دارالحرب نام گذاشتند. تا زمانی اولین دغدغه ی فقهای مسلمان در رابطه با بیگانگان در جنگ خلاصه می شد. بدیهی است در روزگاری که بیشترین ارتباط ملت ها در نبرد رقم می خورد بیشتر از جنگ گفته شود. اما با گسترده شدن سرزمین اسلامی مخصوصاً در دوران عباسیان ضرورت پرداختن به جلوه های دیگری از ارتباط با بیگانگان بیشتر احساس شد.

---

<sup>1</sup> شیبانی، محمد، کتاب السیر، ص 14، مقدمه ی خدوری، مجید.

ابوحنیفه سردمدار مکتب فقهی عراقی به مقتضای نیاز آن زمان، در حلقه های درس خود به مباحثه پیرامون این جلوه‌های تازه برخاست. شاگردان ابوحنیفه نیز با تأسی از روش استاد به گسترش بحث یاری رساندند. البته در آن زمان حجازی‌ها نیز از سیر می‌گفتند و می‌نوشتند؛ اما باید گفت نگاه‌های متفاوت عراقی‌ها و حجازی‌ها به فقه، موجب تفاوت‌ها بی‌در نوشته‌هایشان در مبحث جهاد و سیر شد. حجازی‌ها که به ادعای خودشان از سرمایه‌ی روایی بیشتری بهره‌مند بودند، بیشتر در مبحث جهاد به احادیث پیامبر و صحابه استدلال می‌کردند؛ در حالی که عراقی‌ها علاوه بر روایات به قیاس و رأی نیز می‌پرداختند. علاوه بر این نوشته‌های حجازی‌ها منحصر به جنگ و مسایلی چون تقسیم غنایم می‌شد، در حالی که عراقی‌ها در بحث سیر در کنار آن به روابط دو سوی مرزهای دارالاسلام و کفر و حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی نیز پرداخته‌اند.

برده و برده‌داری از نتایج لاینفک جنگ ملت‌ها در آن دوران بوده، جای تعجب نیست که این چنین گسترده در بحث سیر، بردگان مطرح شوند.

در دورانی که مبنای مطالعه‌ی حقوق ملت‌ها تفکیک سرزمین بر اساس دیانت (اسلام و کفر) بود، بعید نیست اگر از جریان ارتداد و بازگشت از اسلام نیز در سیر سخن به میان آید. علاوه بر این، گاهی مرتدان به دارالحرب می‌گریختند و جا داشت وضعیت دارایی، ارث، وصیت، زنان و کودکانشان بررسی شود.

در واقع آنچه امروز دست‌آورد بشر برای ایجاد حقوق بین‌الملل خوانده می‌شود نتیجه‌ی رشد و توسعه‌ی این علم در خلال قرن‌ها و نسل‌ها است. قطعا مسلمانان سهمی سترگ در بالنده و فراگیر شدن این علم داشته‌اند. تلاش‌های ابوحنیفه و یارانش مخصوصا محمد شیبانی در این راستا ستودنی است. آنچه پیش روی تان نهاده شده تلاش کوچکی است در رونمایی از سهم بزرگ مسلمانان در توسعه و فراگیر شدن حقوق بین‌الملل.

## مقدمه:

### ۱- تبیین موضوع پایان‌نامه:

سیر در لغت مع سیره به معنای روش و طریقه است. به نبرد نیز از آن روی سیر گفته اند که برای رسیدن به دشمن طی طریق می کنند.<sup>۱</sup> در ادبیات و اصطلاح فقه، سیر به روش هایی که در نبرد با دشمن در شرع و فقه لحاظ شده می گویند. فقها در مبحث سیر در کنار پرداختن به جنگ و صلح به مبحث مرتبط با روابط و حقوق بین الملل نیز پرداخته اند.

کتاب السیر نوشته ی محمد بن حسن شیبانی از نخستین نوشته های فقها و حقوق دانان اسلامی در این موضوع است. ادبیات این کتاب که به صورت پرسش و پاسخ نگاشته شده، بیشتر شبیه ادبیات گفتاری است تا یک متن کلاسیک علمی. انگار مولف خاطرات مباحثه های علمی اش را با استدلالتش به رشته ی تحریر درآورده است. پرسش گر ابویوسف شاگرد ابوحنیفه و استاد محمد است و پاسخ - دهنده ابوحنیفه امام فقه حنفی است.

کوشش حاضر ترجمه و تعلیق کتاب السیر محمد بن حسن شیبانی است. قبل از هر چیز باید از خود محمد بن حسن شیبانی و نقشی که وی در بالنده شدن علم السیر داشته بگوییم، کسی که حنفیان او را با نام امام محمد می شناسند.

### 2- محمد بن حسن بن فرقد شیبانی (189\_131) خاندان محمد از اهالی

روستایی به نام «حریستا»<sup>۲</sup> از توابع دمشق بودند، پدرش حسن از شام رخت سفر بست و به عراق آمد

<sup>۱</sup> ابن عابدین، محمد امین بن عمر، حاشیه رد المختار، ج 4، ص 217.

<sup>۲</sup> نام این روستا را حرستی، حرسته، هوسته نیز تلفظ کرده اند. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج 6، ص 80 و ابن قطلوبغا، قاسم بن قطلوبغا، تاج التراجم فی طبقات الحنفیه، ج 1، ص 18 و ابن ابی الوفا، عبدالقادر بن محمد، الجواهر المضیه فی طبقات الحنفیه، ج 2، ص 42.

و محمد در موصل چشم به جهان گشود، محمد همراه پدر به کوفه آمد،<sup>۱</sup> در آن زمان کوفه که میراث دانش علی بن ابی طالب و عبدالله بن مسعود (رضی الله عنهما) را در چنده داشت تلاقی گاه اندیشه‌ها بود، دانشمندان بسیاری در آن به سر می‌بردند و محافل علمی گرمی داشتند. ابوحنیفه، سفیان ثوری، شریک بن عبدالله نخعی، ابن ابی لیلی از سرآمدان آن روزگار کوفه بودند،<sup>۲</sup> محمد که نوجوانی خوش سیما بود وارد محفل ابوحنیفه شد و هنوز جوانی هجده ساله بیش نبود که امام چشم از جهان فرو بست. (سال 150 هجری قمری) از آن پس محمد روشِ فقهی امام را نزد ابویوسف شاگرد ارشد امام تکمیل نمود. محمد در علم بالید و در همان زمانی که ابویوسف زنده بود مرجع اهل رأی در عراق به شمار می‌رفت. محمد علاوه از ابویوسف نزد مالک حدیث فراگرفت و کتاب «موطأ» را از او روایت کرد، از مسعر و ثوری و عمرو بن دینار نیز روایت آموخت.<sup>۳</sup> شاید بتوان گفت مذهب حنفی توسط محمد و از خلال نوشته‌هایش شناسانده شده است.<sup>۴</sup> شافعی در نخستین سفرش به عراق دیدارها و مناظراتی با شیسانی داشت و از محمد بهره‌ها برد، شافعی می‌گوید: «نخستین باری که محمد را دیدم مردم گرداگردش جمع شده بودند، به او نگریستم، از خوش‌سیماترین مردمان بود، به پیشانی‌اش نگاه کردم، همچو عاجی [درخشنده] بود، به جامه‌اش نظر انداختم، از خوش‌لباس‌ترین مردمان بود، از مسأله‌ای اختلافی پرسیدم، مذهبش را ترجیح داد و چون تیری [که از کمان پرتاب شود] به پاسخ برآمد.» شافعی می‌گوید: «از هر کس که مسأله‌ای اختلافی پرسیدم در چهره‌اش ناخرسندی را دیدم، جز محمد بن حسن»<sup>۵</sup> هرچند محمد بن حسن شیسانی در رفع تهمتی که پیرایه‌ی شافعی شده بود<sup>۶</sup> و نیز در آموزگاری منتی بزرگ بر شافعی دارد، اما هرگز این مانع از آن نمی‌شد که شافعی به نقد آرای محمد بن حسن همت گمارد. شافعی در ابواب مختلفی از کتابش (الأم) آرای

<sup>۱</sup> زرکلی، همان، ص 309.

<sup>۲</sup> خضری بک، محمد، تاریخ التشریح الاسلامی، ص 69، 97، 99.

<sup>۳</sup> ابن ابی الوفا، همان.

<sup>۴</sup> خضری بک، همان، ص 127.

<sup>۵</sup> ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج 1، ص 322.

<sup>۶</sup> ابن عماد، همان، ص 323.

محمد و عراقی‌ها را در ترازوی نقد می‌نهد و با مقیاس و نگاه‌ی که بیشتر حجازی می‌نماید مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز برخی از مناظرات خویش با محمد بن حسن را با رعایت کامل امانت و ادب می‌آورد.

از شاگردان شیبانی می‌توان به ابی‌بهره بن رستم مروزی، احمد بن حفص، عیسی بن ابان، محمد بن سماعه، ابوسلیمان جوزجانی را نام برد. بیشتر کتاب الاصل روایت شاگردش ابوسلیمان جوزجانی است.<sup>۱</sup>

محمد بن حسن در زمان زمام‌داری هارون رشید، قضاوت رقه را عهده‌دار شد و سپس عزل گردید، در اواخر عمرش میان او و م‌لازم و استادش (ابویوسف) کدورتی پیش آمد. محمد در سال 189 هجری قمری هارون رشید را در سفر به خراسان همراهی کرد و در ری وفات نمود. خلیفه در مراسم خاکسپاریش گفت: «فقه و ادبیات عربی مدفون گشت».<sup>۲</sup>

جایگاه علمی و نقش محمد بن حسن در فقه برجسته‌تر از آن است که بنخواهیم در این مجال اندک درباره‌اش سخن گوئیم. همین بس که از شافعی که خود از امامان فقه است سوال شد: «تو مالک را دیدار کردی و از او روایت آموختی، با محمد بن حسن نیز رفاقت داشتی، کدام از این دو فقیه‌تر بود؟ شافعی در پاسخ گفت: محمد بن حسن فقیه‌تر بود».<sup>۳</sup>

آثار شیبانی: الجامع الکبیر، الجامع الصغیر، المبسوط، الزیادات. به این کتاب‌ها ظاهر الروایه گویند زیرا سندی معتبرتر دارند. الآثار و الحجه علی اهل المدینه نیز از دیگر آثار اوست.<sup>۴</sup>

### 3- شیبانی و سیر:

<sup>1</sup> خضری بک، همان، ص 128، 129.

<sup>2</sup> ابن ابی الوفاء، همان، ص 42.

<sup>3</sup> همان.

<sup>4</sup> ابن عماد، همان، ص 333.

شیبانی را آگاه‌ترین دانشمند به مسایل سیر دانسته‌اند. هرچند قبل از وی نیز دانشمندانی در این وادی به ایراد نظر پرداخته‌اند، اما هیچ‌گاه همچون محمدشیبانی به تفصیل از احکام سیر نگفته‌اند. تا قبل از وی مسایل سیر تحت عنوان جهاد بررسی می‌شد، در این میان فقهای حجاز کمتر درباره جهاد می‌گفتند؛ زیرا سرزمین حجاز از مناطق استراتژیک بدور بود و ارتباط کمتری با دیگر ملتها داشت و قاعدتاً نیاز کمتری به پرداختن به موضوع سیر داشتند. مثلاً مالک بن انس (متوفای 179 هجری) فقط فصل کوچکی از کتابش (موطأ) را به بحث جهاد اختصاص داده و این درحالی است که زهری (متوفای 124 هجری) و ربیع (متوفای 136 هجری) که قبل از مالک می‌زیسته‌اند بیشتر به این مبحث اهمیت داده‌اند.<sup>1</sup> شاید بتوان گفت اوزاعی (متوفای 157 هجری) از نخستین کسانی است که به سیر به عنوان موضوعی مستقل نگریسته است. آرای اوزاعی در این موضوع در کتابی بنام «السییر» جمع آوری شد، اما دریغ که امروز تنها از خلال نوشته های ابویوسف و شافعی میتوان به اندیشه ها و نوشته‌های اوزاعی در مبحث سیر دست یافت. گرچه اوزاعی در این وادی از پیشگامان است، اما باز هم از مباحث جنگ و توزیع غنایم فراتر نمی‌رود. این ابوحنیفه و شاگردانش بودند که برای نخستین بار به طور فراگیر روابط خارجی سرزمین اسلام با دنیای خارج را بررسی کردند. در حالی که اوزاعی و دیگران عمده تکیه خود را در این موضوع بر احادیث پیامبر و صحابه قرار داده بودند، ابوحنیفه و یارانش بیشتر از قیاس کار می‌گرفتند. از میان یاران ابوحنیفه، ابویوسف و محمد شیبانی در این موضوع جایگاهی برجسته‌تر داشتند. ابویوسف در ضمن تدوین مجموعه‌ی الاصل - که کتاب حاضر نیز بخشی از آن است - و الآثار به بحث سیر پرداخت. الخراج ابویوسف نیز همچنان که از نامش پیدا است مرتبط با مباحث این موضوع است. ابواسحاق ابراهیم بن محمد غزالی نیز از دیگر شاگردان ابوحنیفه است که در این طایفه کتاب نوشته است.<sup>2</sup> ابویوسف و غزالی در نوشته هایشان آرای دیگر فقها را نیز بررسی نموده‌اند و همیشه به نظر امام پایبند نبوده‌اند.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> شیبانی، همان، ص 60.

<sup>2</sup> کتاب مزبور توسط انتشارات الرساله در سال 1408 هجری قمری چاپ شده است.

<sup>3</sup> شیبانی، همان، ص 65.



محمد شبیانی در موضوع سیر به تالیفات مختلفی پرداخته است ؛ اما دریغ که همه ی نوشته های شبیانی درباره ی سیر اکنون در دسترس مان نیست. مشهورترین آثار شبیانی درباره ی سیر دو کتاب «السیر الصغیر<sup>۱</sup>» و «السیر الکبیر» است. برخی السیر الصغیر را املا ی ابویوسف دانسته اند، برخی نیز نام واقعی کتاب مزبور را «سیر ابی حنیفه» دانسته اند و گفته اند وقتی سیر ابی حنیفه به دست اوزاعی رسید، گفت: «عراقی ه ا چه به نوشتن در این باره ؟!» و همین انگیزه ای شد که اوزاعی درباره ی سیر بنویسد. گفته اند شبیانی نیز پیرو این ماجرا به نگاشتن کتابی مفصل تر به نام السیر الکبیر دست زد تا توان عراقی ها را اثبات کند.<sup>۲</sup> البته برخی محققین با اذعان به اینکه السیر الکبیر از آخری ن تالیفات محمد بن حسن بوده و در آن زمان اوزاعی زندگی را بدرود گفته بوده، در این ماجرای تاریخی تشکیک کرده اند،<sup>۳</sup> چنانچه اشاره شد السیر الکبیر از آخرین نوشته های محمد بن حسن است، در آن روزها چنانکه اشاره رفت میان شبیانی و ابویوسف کدورتی پیش آمده بود، همین است که شبیانی در این کتاب هر گاه می خواهد از ابویوسف نقل قولی کند با لفظ «ثقه» به او اشاره می کند. السیر الکبیر با استقبال خلیفه هارون رشید مواجه گشت.<sup>۴</sup> متأسفانه کتاب گران سنگ السیر الکبیر امروز در دسترس مان نیست. بر السیر الکبیر دو شرح نوشته شده، یکی نوشته ی فقیهی ناشناخته به نام جمال حصیری که امروز در دسترس نیست و دیگری نوشته ی شمس الائمه سرخسی. از شرح مزبور نیز که به زیور طبع نیز آراسته شده نمی توان متن السیر الکبیر را استخراج کرد؛ زیرا مولف ، آن را در زندان بدون دسترسی به متن می نگاشته و بر شاگردانش که بیرون از زندان نشسته بودند املا می نموده. به قول دکتر خدوری شرح شمس الائمه سرخسی آرای ابوحنیفه را آنچنان که در قرن پنجم درک و بازخوانی می شده منعکس می نماید نه آنچنانکه در قرن دوم محمد و یارانش می فهمیدند.<sup>۵</sup> علاوه بر

<sup>۱</sup> السیر الصغیر که در واقع نوشته ای بسیار مختصر در این موضوع است، توسط محمود احمد غازی تحقیق و تعلیق شده و مجمع البحوث الاسلامیه وابسته به جامعه الاسلامیه العالمیه اسلام آباد به چاپ رسانده است.

<sup>۲</sup> شمس الائمه سرخسی، محمد بن احمد، شرح السیر الکبیر، ج 1، ص 3.

<sup>۳</sup> شبیانی، محمد بن حسن، السیر من کتاب الاصل، مقدمه، عبدالمجید خدوری، ص 58.

<sup>۴</sup> شمس الائمه سرخسی، همان، ص 5.

<sup>۵</sup> شبیانی، همان، ص 60.

این دو کتاب، محمد شبیبانی در کتاب السیر از مجموعه‌ی الاصل مفصل به این موضوع پرداخته است. کتاب الاصل که نام دیگرش المبسوط است و در واقع املائی ابویوسف است و به صورت سوال و جواب تنظیم شده از امهات کتب فقه حنفی به شمار می‌رود. از دیدگاه برخی محققین کتاب السیر از کتاب الاصل را می‌توان نماینده‌ی تمام نمای آر ای حنفیان در باب سیر دانست.<sup>1</sup> کتاب السیر توسط دکتر مجید خدوری تحقیق شده است. تلاش حاضر ترجمه و پاورقی کتاب مذکور است.

علاوه بر این‌ها، شبیبانی در دو کتاب الجامع الصغیر و الجامع الکبیر به صورت موجز و گزینشی به بحث سیر پرداخته است.

شبیبانی را که در واقع تدوین گو دانش ابوحنیفه و ابویوسف است، واضع علم سیر دانسته‌اند. در سال 1825 میلادی ترجمه‌ای از کتاب شرح السیر الکبیر شمس الاثمه سرخسی به زبان ترکی به بازار آمد و مترجم آن به نقل از پورگستال<sup>2</sup> محمد بن حسن شبیبانی را «هیوجو گروسیوس»<sup>3</sup> مسلمانان معرفی کرده بود. هانس کووز<sup>4</sup> خاورشناس آلمانی در سال 1955 میلادی برای تجلیل از جایگاه علمی شبیبانی و نقشش در تاریخ حقوق بین الملل به تاسیس «گروه حقوق بین الملل شبیبانی» همت گمارد.<sup>5</sup>

در واقع شبیبانی از آن یک مذهب و یک آبشخور فقهی نیست، شبیبانی زاده ی اسلام است و آثار شبیبانی نیز در دامن این فرهنگ بالنده شده است. آری شبیبانی نیز همچون دیگر دانشمندان و حقوق‌دانان مذاهب مختلف اسلامی افتخاری است از آن همه‌ی مسلمانان.

#### 4- کتاب السیر شبیبانی و جایگاه آن:

---

<sup>1</sup> همان.

<sup>2</sup> Purgstall

<sup>3</sup> Hugo Grotius (دانشمند و سیاستمدار هلندی در قرن 17)

<sup>4</sup> Hans kruse

<sup>5</sup> شبیبانی، همان، ص 40 تا 65.

کتاب السیر آنچنان که گفتیم بخشی از کتاب الاصل محمد بن حسن شیبانی است . کتاب مذکور که تحریر مباحثات علمی ابویوسف و محمد با ابوحنیفه پیرامون موضوع سیر است، در قالب گفتگو به استدلال و بیان مطالب علمی پرداخته است . شیبانی کتاب را با روایاتی مرتبط با موضوع سیر که همه‌ی‌شان را به جز روایت اول از ابویوسف نقل می کند، آغاز می نماید. شاید شیبانی با این آغاز سعی دارد انگیزه‌ی پیرایه‌ی مذهب حنفی شده و سرمایه‌ی حنفیان را از علم حدیث دست کم گرفته بزداید. در دیگر ابواب، مولف به بیان مسایل سیر می پردازد و سعی می کند همه‌ی مسایل مورد ابتلا و حتی مسایلی که احتمال دارد در آینده ایجاد شود را پاسخ دهد.

ابوحنیفه و یارانش در پاسخ به مسایل سیر - آنچنان که مذهب حنفیان است - سعی می کنند برای عقل (قیاس) و عرف نیز در عرض نقل اعتبار قایل شوند.

یکی از عواملی که آرای ابوحنیفه را در این موضوع از دیگران متمایز می کند، اصل اعتبار مقررات خارجی است؛ ابوحنیفه قراردادهایی را که در آن سوی مرزهای اسلام، در دارالحرب وضع می شود حتی برای مسلمانانی که در دارالحرب زندگانی می کنند معتبر و الزام آور می داند و علاوه بر این، در دارالحرب برخی از معاملات ممنوع را، نظیر ربا جایی می داند. اعتبار اختلاف دارین یا موثر دانستن عامل انفصال جغرافیا در احکام و حقوق نیز از همین اصل آب می خورد. ابوحنیفه در دورانی که شریعت را فردی می انگاشتند و مسلمانان را در هر سرزمینی که بودند ملزم به تبعیت از احکام شرع می دانستند، در روابط میان مسلمانان و غیر مسلمانان (یعنی کسانی که در نظام های حقوقی متفاوتی زندگی می کنند) به عامل اقلیمی نیز نظر دارد. همچنین بر همین اصل، ابوحنیفه و یارانش در رفتار با حربی‌ها حتی زمانی که پیمان صلحی میان حربی‌ها و مسلمانان وجود ندارد، قایل به معامله به مثل هستند، ابوحنیفه به امام توصیه می کند با غیرمسلمانانی که وارد دارالاسلام می شوند همان طوری رفتار کند که حربی‌ها با مسلمانان رفتار می کردند؛ و این، یعنی معتبر دانستن مقررات خارجی.

به کار گیری از قیاس و عرف و معتبر دانستن حقوق بیگانگان، دست آوردهای حنفیان را در موضوع سیر با دیگران متفاوت می نماید.

به ادعای دکتر خدوری کتاب السیر مذکور نسبت به «شرح السیر الکبیر» شمس الأئمه سرخسی بیشتر می‌تواند به درک درستی از روش یاران ابوحنیفه در استنباط احکام سیر یاری رساند؛ زیرا شرح السیر الکبیر بیشتر می‌نماید که تالیفی مستقل باشد تا شرحی بر کتاب شیبانی.<sup>1</sup> کتاب السیر جزئی از کتاب بزرگ الاصل یا المبسوط محمد شیبانی است. این بخش که «ابواب السیر فی ارض الحرب» نیز نام نهاده شده است پس از «کتاب الاکراه» قرار داشت. نسخه‌هایی از کتاب الاصل یا المبسوط در کتاب‌خانه‌های استانبول و قاهره و دیگر کتاب‌خانه‌ها وجود دارد. دکتر مجید خدوری از میان پنج نسخه‌ی خطی به تصحیح بخش کتاب السیر از کتاب الاصل به همراه «آنچه محمد افزوده است»، «کتاب الخراج» و «کتاب العشر» همت گمارد و در سال 1975 میلادی توسط الدار المتحدہ للنشر در بیروت به نشر رساند. کتاب الاصل با تحقیق ابوالوفا افغانی به طور کامل در کراچی توسط انتشارات اداره القرآن و العلوم الاسلامیه به چاپ رسیده است.

تلاش حاضر ترجمه و تعلیق بخش کتاب السیر کتاب الاصل محمد بن حسن شیبانی بر اساس نسخه‌ی تصحیح شده‌ی دکتر مجید خدوری است؛ قابل ذکر است مترجم از نسخه‌ی مذکور فقط به ترجمه و تعلیق کتاب السیر بسنده کرده است.

## 5- نسخه‌های کتاب السیر:

گفتیم کتاب السیر بخشی از کتاب الاصل محمد بن حسن شیبانی است. از این کتاب نسخه‌های متعددی در دست است که البته به قول حاجی خلیفه مهمترین و صحیح ترین نسخه، نسخه‌ی ابوسلیمان جوزجانی است.<sup>2</sup> به قول مصحح و محقق کتاب السیر (خدوری) از کتاب الاصل سه نسخه‌ی خطی در کتابخانه‌ی استانبول وجود دارد: نسخه‌ی مراد ملا که تاریخ نگارشش سال 638ق است و نسخه‌ی فیض الله که تاریخ نگارشش سال 753ق است و نسخه‌ی عاطف که تاریخ

<sup>1</sup> شیبانی، همان، ص 66 و 67.

<sup>2</sup> حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج 2، ص 1581.